



دانشگاه باقرالعلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: جامعه شناسی

عنوان:

سیاستگذاری علم در ایران؛

بررسی نسبت سیاست های علمی با جریان

های فکری اجتماعی دوره قاجار

استاد راهنما:

دکتر هاشمیان

استاد مشاور:

دکتر کرم اللهی

نگارش:

سید علی متولی امامی

دی 1390

الشمس الکریم من حج الکریم حج الکریم



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: جامعه شناسی

عنوان:

سیاستگذاری علم در ایران؛

بررسی نسبت سیاست های علمی با جریان های فکری

اجتماعی دوره قاجار

استاد راهنما:

دکتر هاشمیان

استاد مشاور:

دکتر کرم اللهی

نگارش:

سید علی متولی امامی

دی 1390

صورتجلسه دفاعیه:

تقدیم به:

شیخ فضل الله نوری؛ شهید مبارزه با غرب زوده کی

چکیده

مواجهه ما با غرب مدرن به عنوان مهمترین مسئله هویتی و تاریخی از دوره صفویه تا کنون در عرصه های گوناگون محل تأمل است. یکی از مهمترین عرصه های این مواجهه ها ورود علوم مدرن است که به خصوص با مظاهر تکنولوژیک آن شناخته شده است. در جریان این مواجهه تاریخی جریان های فکری ایران نسبت به توصیف و تبیین این علوم و فنون و نسبت آن ها با علوم سنتی مواضع مختلفی داشته اند. متناسب با میزان اثر گذاری اجتماعی این جریان های فکری و موضعی که نسبت به علوم مدرن داشته اند سیاستگذاری های رسمی سامان یافته اند و تاریخ مواجهه با علوم مدرن شکل گرفته است. دوره قاجار به جهت اهمیت صورت بندی جریان های فکری و تأثیر مشخص آن در دوره های بعدی اهمیت ویژه دارد. در این دوره به جهت نزدیکی جریان های روشنفکری به دستگاه سلطنت، به طور عمده سیاست های علمی کشور متأثر از نگاه سکولار این جریان ها سامان یافته است. علما نیز به رغم حوزه اثر بالای اجتماعی به دلیل عدم تمیز علوم مدرن از علوم سنتی و تعیین نسبت عالم غربی با عالم دینی به طور ناخودآگاه به تأیید یا در بهترین حالت؛ سکوت نسبت به سیاست های علمی سکولار پرداختند. بنابر این در چنین وضعیتی اقدامات گسترده ای در راستای ترویج ناقص و

منتقطع از مبانی فلسفی علوم و فنون انجام شد و کم کم این صورت و محتوای سکولار اقدامات در زمینه علم منجر به گسترش اندیشه های سکولار در سطح نخبگان گردید.

فهرست

۱۰ فصل اول: کلیات
۱۰ ۱.۱ بیان مسئله
۱۱ ۱.۲ سوالات تحقیق
۱۱ ۱.۲.۱ سوال اصلی
۱۱ ۱.۲.۲ سوالات فرعی

۱۱.....	اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق.....	۱.۳
۱۲.....	اهداف تحقیق.....	۱.۴
۱۲.....	۱.۴.۱ هدف کلی.....	
۱۲.....	۱.۴.۲ اهداف جزئی.....	
۱۳.....	پیشینه تحقیق.....	۱.۵
۱۴.....	چارچوب مفهومی.....	۱.۶
۱۴.....	۱.۶.۱ علم.....	
۱۸.....	۱.۶.۲ جریان های فکری - اجتماعی.....	
۱۹.....	۱.۶.۳ سیاست های علمی.....	
۲۱.....	۱.۷ روش شناسی.....	۱.۷
۲۱.....	۱.۷.۱ نظریه روش تحلیل گفتمان.....	
۲۴.....	۱.۷.۲ پدیدار شناسی.....	
۲۷.....	۱.۷.۳ نسبت پدیدار شناسی تاریخی و جامعه شناسی.....	
۲۹.....	۱.۷.۴ پدیدار شناسی تاریخی و تاریخ نگاری استراتژیک.....	
فصل دوم: تمهیدات نظری؛ ما و غرب مدرن.....		
Error! Bookmark not defined.....		
۲.۱	بخش اول: مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۲	بخش دوم: کلان گفتمان های غرب شناسی ایران.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۲.۱	ظرفیت های معرفت دینی در تعلق به گفتمان خلوص خواهانه.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۳	بخش دوم: ارزیابی: امکان های مواجهه با غرب.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۴	بخش سوم: مواجهه با غرب در دوره صفویه.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۵	بخش چهارم: مواجهه با غرب در دوره قاجار.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۵.۱	وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران و جهان در دوره قاجار....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۵.۲	تحلیلی از مواجهه با غرب در دوره قاجار.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۵.۳	تحلیل جامعه شناختی وقوع مشروطه؛ سیاست تجدد اجباری روشنفکران.....	Error! Bookmark not defined.....
۲.۵.۴	نتیجه گیری.....	Error! Bookmark not defined.....

Error! Bookmark not defined.	فصل سوم: جریان های فکری-اجتماعی دوره قاجار
Error! Bookmark not defined.	۳.۱.۱ مقدمه
Error! Bookmark not defined.	۳.۲ بخش اول: جریان علما
Error! Bookmark not defined.	۳.۲.۱ فیلسوفان
Error! Bookmark not defined.	۳.۲.۲ شیخی ها
Error! Bookmark not defined.	۳.۲.۳ متصوفه
Error! Bookmark not defined.	۳.۲.۴ فقها
Error! Bookmark not defined.	۳.۳ وضعیت جریان های فقهی- اصولی در نسبت با تجدد
Error! Bookmark not defined.	۳.۴ بخش دوم: جریان روشنفکری
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۱ وضعیت مواجهه جریان روشنفکری با غرب
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۲ آخوند زاده
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۳ میرزا آقا خان کرمانی
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۴ میرزا ملکم خان ناظم الدوله
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۵ سید جمال الدین اسدآبادی
Error! Bookmark not defined.	۳.۴.۶ نتیجه گیری
Error! Bookmark not defined.	فصل چهارم: سیاست های علمی جریان های فکری-اجتماعی
Error! Bookmark not defined.	۴.۱.۱ مقدمه
Error! Bookmark not defined.	۴.۲ بخش اول: سیاست های علمی جریان علما(فقها)
Error! Bookmark not defined.	۴.۳ بخش دوم:سیاست های علمی جریان روشنفکری
Error! Bookmark not defined.	۴.۴ سفرنامه ها، روزنامه ها و رساله ها مهمترین منابع تبیین و ترویج سیاست های علمی
defined.	
Error! Bookmark not defined.	۴.۵ مقابله با معارف دینی و شهودی در برابر علوم مدرن
Error! Bookmark not defined.	۴.۶ تحصیل فلسفه شرط مقدم بر تحصیل علوم مدرن
Error! Bookmark not defined.	۴.۷ اصلاح خط و زبان فارسی راهبرد تحصیل علوم مدرن
Error! Bookmark not defined.	۴.۸ ترویج زبان های خارجی

Error! Bookmark not defined.	سیاست موازنه مثبت یا وادادگی در برابر غرب	۴.۹
Error! Bookmark not defined.	نهضت ترجمه	۴.۱۰
Error! Bookmark not defined.	نظام جدید عباس میرزا	۴.۱۱
Error! Bookmark not defined.	اعزام محصلان به خارج	۴.۱۲
Error! Bookmark not defined.	دارالفنون	۴.۱۳
Error! Bookmark not defined.	مدارس جدید	۴.۱۴
Error!	۴.۱۴.۱ مدارس میسیونری خارجی	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۲ مدارس عرفی خارجی	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۳ مدارس عرفی ملی	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۴ انجمن معارف	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۵ شورای عالی معارف	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۶ مدارس عالی-تخصصی	
	Bookmark not defined.	
Error!	۴.۱۴.۷ مدارس دخترانه	
	Bookmark not defined.	
Error! Bookmark not defined.	تأملی در سیاست های رسمی وزارت علوم و مجلس	۴.۱۵
Error!	۴.۱۵.۱ نتیجه گیری	
	Bookmark not defined.	
Error! Bookmark not defined.	۵ نتیجه گیری	

1 فصل اول: کلیات

1.1 بیان مسئله

شاید این تلقی وجود داشته باشد که سیاستگذاری علم کاری بیهوده است. چرا که نمی توان عرصه علم و فرهنگ را دستوری مدیریت کرد. سخن بی راهی نیست. وقتی که یک تحول تاریخی در بستر طبیعی خود در حال وقوع باشد به تبع، تحول علم نیز در بستر طبیعی خود واقع می شود. با این حال و در همین وضعیت نیز در واقع سیاست های علمی هستند که به طور ناخودآگاه وضعیت علم و تحولات علمی را راهبری می کنند. سیاست های علمی همواره مبتنی بر جریان فکری حاکم بر جامعه و عالم مردمان آن جامعه شکل می گیرد. اگر جامعه ای دچار بحران های هویتی شود و عرصه تفکر در جامعه دستخوش التقاط گردد، سیاست علمی آن جامعه به خوبی این بحران و التقاط را نشان می دهد. شناخت سیاست های علمی ایران معاصر از زمان مواجهه با غرب و هم چنین تطورات این سیاست ها و بررسی نسبت آن ها با جریان های فکری جامعه ایران، می تواند تا حد زیادی به تحلیل جامعه شناختی وضعیت ایران معاصر کمک نماید و امکان تأملات دقیق تری نسبت به ترسیم وضعیت آینده را فراهم آورد. جریان های فکری-اجتماعی ایران معاصر در مقاطع مختلف تاریخی، در قبال علوم جدید مواضع گوناگونی

داشته اند اینکه سیاستگذاری علم در ایران در هر مقطع تاریخی تا چه حد متأثر از جریان های فکری- اجتماعی بوده است و در گذر زمان و با تحولات و تطورات این جریان های معرفتی، آیا سیاستگذاری های علم نیز تحول یافته است؟ و چارچوب های نظری این سیاستگذاری ها در هر دوره چه بوده است؟ مسئله مورد بررسی این پایان نامه است.

1.2 سوالات تحقیق

1.2.1 سوال اصلی

چه نسبتی میان سیاست های علمی با جریان های فکری اجتماعی ایران در دوره قاجار وجود دارد؟

1.2.2 سوالات فرعی

مهمترین سیاست های علمی در ایران دوره قاجار کدامند؟

سیاست گذاری علم در ایران دوره قاجار چه اهدافی را دنبال کرده است؟

سیاست های علمی مصرح و غیر مصرح چه بوده است؟

فرآیند تحقق سیاست های علمی در ادوار مختلف دوره قاجار چگونه بوده است؟

صورت بندی جریان های فکری و اجتماعی فعال در ایران دوره قاجار چیست؟

تا چه حد سیاست گذاری علم در ایران دوره قاجار بر میراث معرفتی و فرهنگی اسلامی- ایرانی منطبق

است؟

1.3 اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

نگاهی به تحولات تاریخی ایران از زمان مواجهه با غرب در دوره قاجار، نشان می دهد که این تحولات

به هیچ وجه سیر طبیعی نداشته و در بستر یک بحران اجتماعی رخ داده است. بنابر این تحولات علم نیز از

این بحران پیروی کرده است. جامعه ایران ناشی از سرخوردگی های داخلی و در برابر هجوم تمدن غرب

بی آن که فرصت تأمل در مبانی و مبادی تمدن معارض را داشته باشد دچار یک شیفتگی عمیق می گردد و دل در گرو غرب می دهد بی آن که پای از فرهنگ خویش بریده باشد. بحران در فضای فکری و معرفتی ایران، با ورود علوم و صنایع جدید و تأسیس نهادهای مدرن آموزشی چون دانشگاه تشدید می گردد و دانشجویان ما از آن زمان نسل به نسل به تحصیل علمی مشغول هستند که بی نسبت با فرهنگ و تاریخ آن هاست. در بسیاری موارد روشن نیست که این علوم برای چه نیازی در ایران تحصیل می شود؟ و آیا پاسخگوی نیاز بومی هستند؟ و ... به ویژه آن که غلبه فنون و مهارت ها (به جای علم) به قصد پیشرفت های تکنولوژیک این بحران را به یک فاجعه تبدیل کرد و اجازه تأمل و تفکر را سلب نمود. از سوی دیگر بیش از 150 سال تلاش در مسیر تجددخواهی و پیشرفت در عرصه علم و تکنولوژی نتایج اندکی را به بار آورده است و همیشه نحوی تجددمآبی و غرب زدگی و اکتفا به ظواهر نتیجه این تلاش بوده است. تأمل در چرایی بی ثمر بودن سال ها تحصیل علوم مدرن در ایران یکی از ضرورت های نگاه به آینده است. ما برای نیل به یک فرآیند صحیح سیاستگذاری علم نیازمند آن هستیم که تاریخ علم و سیاستگذاری علم در ایران را مورد بررسی قرار دهیم. در هر حال به نظر می رسد نگاه جامعه شناختی به تاریخ ورود علوم مدرن به ایران و شناخت امکان ها و شرایط تحول علم برای خروج از این بحران ضرورت دارد. اطلاع از روند سیاستگذاری علم در ایران از زمان تأسیس دارالفنون به عنوان نمودی از بارز ترین سیاست علمی تا رسیدن به وضع کنونی به ما کمک می کند تا متکی به پیشینه و امکان های تاریخی خود به سیاستگذاری در حوزه علم توجه نماییم.

1.4 اهداف تحقیق

1.4.1 هدف کلی

بررسی تاریخی نسبت میان جریان های فکری و اجتماعی فعال ایران دوره قاجار با سیاست های علمی این دوره.

1.4.2 اهداف جزئی

بازشناسی مهمترین سیاست های علمی در ایران دوره قاجار

بررسی اهداف سیاست گذاری علم در ادوار مختلف دوره قاجار

شناخت سیاست های علمی مصرح و غیر مصرح

بازشناسی فرآیند تحقق سیاست های علمی

صورت بندی جریان های فکری و اجتماعی فعال در ایران دوره قاجار

بررسی نسبت سیاست گذاری علم در ایران با میراث معرفتی و فرهنگی اسلامی - ایرانی

1.5 پیشینه تحقیق

تا کنون هیچ تحقیقی مشخصا مسئله پایان نامه حاضر را مورد بررسی قرار نداده است. اما تحقیقاتی وجود دارد که هر یک به نوعی به بخش هایی از تحقیق حاضر مرتبط هستند.

کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران اثر خانم هما ناطق تقریبا مرتبط ترین اثر به تحقیق حاضر است. در

این کتاب که یک اثر تاریخی است تلاش مولف بر گردآوری اسناد تاریخی حضور فرهنگی غربی ها

در ایران است. مهمترین امتیاز اثر ایشان دسترسی ایشان به اسناد وزارت خارجه فرانسه است که نحوه

حضور و فعالیت ایشان در ایران قابل تحقیق کرده است. روش این تحقیق استفاده از اسناد تاریخی بوده

است. این اثر صرفا حضور غربی ها در ایران را مورد بررسی قرار داده و ضمن اینکه اثری صرفا تاریخی

بوده است، تنها توانسته است در باره حضور فرانسویان - به جهت دسترسی به اسناد فرانسویان - در ایران تحقیق ویژه ای ارائه دهد. از سوی دیگر گرچه نگرش بیطرفانه و محققانه اثر قابل تحسین است اما کمتر به بررسی نسبت جریان های فکری داخلی با این حضور غربی ها و سیاست های فرهنگی آن ها پرداخته و از سوی دیگر نتوانسته است جایگاه جریان فکری دینی را در این برهه تاریخی تحلیل نماید. بنابر این صرفا اسناد تاریخی ارزشمند این اثر از حضور غربی ها در ایران مورد استفاده در این تحقیق بوده است.

آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار اثر خانم مونیکا ام رینگر نیز یکی از کتاب هایی است که تا حدی مرتبط با موضوع است. این اثر برخی سیاست های آموزشی این دوره را مورد بحث و بررسی تاریخی قرار داده است و نگاهی نحیف به وضعیت هویتی و فکری ایران این دوره داشته است. مهمترین مشکل این اثر نگرش روشنفکرانه آن است که بیگانه با وضعیت هویتی تاریخ ایران است. در واقع نویسنده ناتوان از تحلیل دقیق شرایط اجتماعی ایران و به خصوص پایگاه علما و جایگاه دین در این جامعه است. بنابر این اثر مذکور نیز صرفا داده هایی تاریخی برای تحقیق حاضر بوده است. در هیچ یک از دو اثر پیش گفته نویسندگان نمی توانند علت همراهی علما با علوم جدید را تحلیل نمایند بنابر این با سکوتی معنا دار از آن در می گذرند.

تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران اثر حسین محبوبی اردکانی یک اثر صرفا تاریخی است که به ذکر تاریخ شکل گیری نهاد ها و موسسات مدرن در ایران پرداخته است و تقریبا فاقد هر گونه تحلیل ارزشمند در این زمینه است و به عنوان کتابی تاریخی مورد توجه بوده است. برخی آثار دکتر رضا داوری اردکانی نیز به اجمال مباحث مهمی در خصوص وضعیت تاریخی سیاستگذاری علم در ایران دارد که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

1.6 چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی تحقیق حاضر مبتنی بر تعریف ماهیت متفاوت علوم مدرن از علوم ماقبل مدرن و سپس صورتبندی جریان های فکری و سیاست های علمی و بررسی نسبت این دو در تاریخ ایران دوره قاجار است.

1.6.1 علم

«برای علم تعاریف مختلفی ارائه شده است و این تعاریف مختلف ریشه در مبانی فلسفی و معرفت شناختی متفاوت دارند و به مواضعه و قرار داد افراد باز نمی گردند و به همین دلیل عدول از این تعاریف و توافق بر سر یک تعریف واحد درباره علم به سادگی ممکن و میسر نیست.»¹ بنابراین این مثل بسیاری مفاهیم دیگر، مفهوم علم را نیز باید نسبت به پیش از تاریخ مدرن و پس از آن معنا کرد تا معنای علم در نسبت با هر عالم معلوم شود.

علم پس از دوره مدرن متضمن معنایی خاص شد که با تعریف پیشامدرن آن متفاوت بود. خصوصیت کلی علم در دوره مدرن ساپژکتیو بودن آن است که علم را مطلقاً به امری تبدیل می کند که منشأ انسانی دارد. اما در دوره ماقبل مدرن چه دوره یونان و چه در عالم دینی علم امری است که منشأ بشری ندارد و نحوی افاضه و اعطا به انسان است.

در روایت عنوان بصری امام صادق(ع) در پاسخ به عنوان بصری که از امام طلب علم می کند، می فرماید:

«لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ؛ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ. فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ، وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ، وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمُكَ! قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!

1: حمید پارسانیا، علم و فرهنگ، خرداد 91، available at: <http://www.parsania.net/>، 1391

مَا حَقِيقَةُ الْعُبُوْدِيَّةِ؟ اَقَالَ: ثَلَاثَةُ اَشْيَاءَ: اَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللهُ مَلِكًا، لِانَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُوْنُ لَهُمْ مَلِكٌ، يَرُوْنَ اَلْمَالَ مَالَ اللهِ، يَضْعُوْنَهُ حَيْثُ اَمَرَهُمُ اللهُ بِهِ؛ وَ لَا يَدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيْرًا؛ وَ جُمْلَةُ اِسْتِغَالِهِ فِيمَا اَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاہُ عَنْهُ^۱

«علم به آموختن نیست. علم فقط نوری است که در دل کسی که خداوند تبارک و تعالی اراده هدایت او را نموده است واقع میشود. پس اگر علم میخواهی، باید در اولین مرحله در نزد خودت حقیقت عبودیت را بطلبی؛ و بواسطه عمل کردن به علم، طالب علم باشی؛ و از خداوند بپرسی و استفهام نمائی تا خدایت ترا جواب دهد و بفهماند. گفتم: ای ابا عبدالله! حقیقت عبودیت کدام است؟ گفت: سه چیز است: اینکه بنده خدا برای خودش دربتاره آنچه را که خدا به وی سپرده است ملکیتی نبیند؛ چرا که بندگان دارای ملک نمی‌باشند، همه اموال را مال خدا می‌بینند، و در آنجائیکه خداوند ایشان را امر نموده است که بنهند، میگذارند؛ و اینکه بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نکند؛ و تمام مشغولیاتش در آن منحصر شود که خداوند او را بدان امر نموده است و یا از آن نهی فرموده است.» بنابر این علم نوری است که از جانب حق اعطا می شود و برای تحصیل آن باید به حقیقت عبودیت نزدیک شد.

در جایی دیگر روایت شده است: «لَيْسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ لِيَنْزَلَ إِلَيْكُمْ، وَ لَا فِي الْأَرْضِ لِيَصْعَدَ لَكُمْ؛ بَلْ مَجْبُولٌ فِي قُلُوبِكُمْ. تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ الرُّوحَانِيِّينَ حَتَّى يَظْهَرَ لَكُمْ»^۲

«نیست علم در آسمان تا به سوی شما فرود آید، و نیست در زمین تا برای شما بالا آید؛ بلکه علم در دلهای خودتان سرشته و خمیر شده است. به اخلاق صاحبان روح و معنی متخلق گردید تا برای شما آشکار شود.» در هر دو روایت تحصیل علم متوقف بر تحصیل اخلاق و تقوا شده است. از سوی دیگر در این

^۱: همدانی، عبدالصمد، بحرالمعارف، ج 2، چاپ سوم، انتشارات حکمت، تهران، ص 336

^۲: کلینی، محمد، اصول کافی، جلد اول، چاپ دوم، باب حدوث الاسماء، حدیث اول، ص 112

روایات انسان صاحب اختیار تام در کسب علم دانسته نشده است بلکه با شرط تحصیل مقدمه، علم بر او ظاهر می شود یا به وی اعطا می شود.

امام خمینی (ره) در شرح روایت اول می گویند: «پس از آن که دانسته شد القای علوم و معارف از عوالم غیبیه و تابع ارتباط نفوس است به آن، پس از هریک از نفوس که ارتباط به ملکوت اعلی و عالم ملائکه مقربین پیدا کند، القائاتی که در آن شود القاء ملکی و علمی که به آن افاضه شود علوم حقیقیه و از عالم ملائکه است. و هریک که ارتباط به عالم ملکوت اسفل و عالم جن و شیاطین و نفوس حیثیه پیدا کند، القائات آن القائات شیطانی و از قبیل جهالات مرکبه و حجب مظلومه است.»¹

همین مسئله، نقطه تفاوت ماهیت علم در عالم دینی و عالم مدرن است. در واقع در عالم دینی انسان در مقام سوژه، فاعلیت خودبنیاد تصرف در عالم را ندارد. «در زبان دین و مابعدالطبیعه علم وضع و وصف دیگری دارد چنان که ممکن است گفته شود که علم از مظاهر عظمت پروردگار است و به این جهت، آدمی را به حیرت می اندازد و چون راه قدس از حیرت می گذرد شاید از علم راهی به ساحت قدس وجود داشته باشد.»² در هر حال می توان در بیان تمایزات این دو نحو تلقی از علم که پیش از دنیای مدرن و پس از آن وجود دارد نکات ذیل را مورد اشاره قرار داد.

علم در تلقی پیشامدرن آن افاضه از جانب خدا یا امری غیر انسانی و غیر مادی است. بنابر این منشأ و مصدر انسانی ندارد. در این نگاه به علم، سوژکتیویسم منتفی می شود و متأثر از این تفاوت موضوع، روش و غایت علم نیز متفاوت می گردد. بنابر این در تلقی پیشامدرن از علم به تعبیر هایدگر انسان خود را در جهان می بیند³ که از این تلقی در جهان بودن، علم استیلای بر طبیعت به وجود نمی آید. حال آن

¹: روح الله خمینی، چهل حدیث، چاپ چهلم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، 1386، ص 372

²: رضا داوری، درباره علم، چاپ اول، هرمس، تهران، 1386، ص 254

³: مارتین هایدگر، هستی و زمان، ترجمه سیاوش جمادی، چاپ اول، تهران، ققنوس، 1386، صص 169-193

که به دلیل غلبه اومانيسم در تاريخ مدرن، علم به ساحت تجربي و حسي آن تقليل مي يابد و به كشف انسان در مطابقت با واقع (طبيعت) معنا مي شود که همان اصالت سوژه است.

با تقليل علم به ساحت تجربه و حس، تعريف جديدي از علم شکل مي گيرد؛ «بر اساس تقسيم بندي هيوم هر قضيه اگر تحليلي نباشد - که همان گويي و توتولوژي است -، ترکيبي خواهد بود که برای شناخت صدق و يا کذب آن بايد به تجربه و آزمون حسي رجوع کرد و قضايایي که از قلمرو آزمون فراتر می روند بافته های باطل و مهمل ذهن هستند و با این بیان، کارهایی که فیلسوفان در طول تاريخ انجام داده اند علمی نبوده و هيچ نسبتی نیز با علم ندارد.»¹

در این تلقی که مبتنی بر غلبه نگاه تجربي و حس گرایانه است، علم به ساحت علوم تجربي و حسي تقليل می يابد و تنها science واجد شأنيت علمی دانسته می شود. بنابر این تلقی از فلسفه، دين، هنر و هر امر غير تجربي ديگر پس از حاکميت دیدگاه های حس گرایانه عبارت از دانشی مشتمل بر مهمل گويي و قضايای غير علمی است.

فلسفه در تعريف ماقبل مدرن آن فرصت استفاده از دانش حسي و تجربي را در برخی از علوم تجربي فراهم می آورد اما علم در وضع جديد غرب به علم تصرف در طبيعت فرو کاسته شد. در واقع علم تا پيش از دوره مدرن ارزش شناختی داشت اما در دنياي مدرن علم ارزش شناختی خود را از دست داده و ارزش تصرف و استيلا يافت. به واسطه غلبه سوژکتیویسم نه تنها علم به ساحت تجربه تقليل می يابد بلکه غایت علم مدرن تصرف در طبيعت و استيلاي بر آن می شود. ناشی از همین اندیشه تصرف و استيلا است که صنايع و تکنولوژی مدرن، شکل می گيرد. بنابر این علوم اعم از علوم تجربي يا انسانی در دوره مدرن ماهيتی متفاوت از علم در عالم ماقبل مدرن دارند.

1: حميد پارسانيا، علم و فلسفه، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي، 1385، ص 27

مسئله اصلی، ورود علوم جدید به ایران و مواجهه جریان های فکری گوناگون با این علوم است. بنابراین این منظور از علم در این پایان نامه علوم مدرن و موضعی است که در قبال این دست از علوم اتخاذ شده است.

1.6.2 جریان های فکری - اجتماعی

از آن جا که سیاست های علمی مبتنی بر مبانی فکری - فلسفی و یا ایدئولوژیک خاصی سامان می یابد، در این رساله سیاست های علمی در نسبت با جریان های فکری مورد بررسی قرار گرفته است.

جریان های فکری مورد بحث در این رساله جریان هایی هستند که به نحو موثری در جامعه اثر می گذارند و مبانی فکریشان فعالیت نهادها و گروه های اجتماعی را سامان می دهد. در واقع گروه های فعال اجتماعی سیاست های علمی مورد نظر خود را با تکیه بر قدرت در منازعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، پیگیری می نمایند. جریان های فکری ذیل کلان گفتمان های هویتی سامان می یابند. هر یک از کلان گفتمان های هویتی بر اساس توصیف و تبیینی که از ماهیت خود و غیر(سنت و مدرنیته) ارائه می نماید بازشناسی خواهد شد. بنابراین در این رساله جریان های فکری و اجتماعی بر اساس نحوه پاسخ به مهمترین مسئله تاریخ ایران؛ یعنی «غرب»، بازشناسی می شوند و تمایز می یابند. سیاست های علمی نیز مبتنی بر نحوه مواجهه هر یک از این جریان ها صورت خاصی پیدا می کند. لازم به تذکر است که رساله حاضر به دنبال اقتباس تاریخ نگارانه - چنان که مستلزم یک رساله تاریخی است - همه جریان های فکری - اجتماعی دوره قاجار با تمام جزئیات آن ها نیست؛ نه همه نظریه ها و نه همه نظریه پردازان جریان های فکری موضوع این رساله نیستند، بلکه راویان اصلی جریان های فکری عمده ذیل هر گفتمان هویتی، به عنوان الگوی فکر و عمل جریان های مشابه مورد بررسی قرار می گیرند.

1.6.3 سیاست های علمی

منظور از سیاست های علمی، مجموعه باید و نباید ها و نگرش هایی است که به دنبال سامان بخشی هدفمند به وضعیت علم و دانش است.

بنا به تعریف دیگر سیاست علمی عبارت است از «مجموعه ای از خط مشی ها و تصمیمات کلی به منظور افزایش معرفت علمی و توسعه روش ها و عواملی که در تولید، بهره برداری، مبادله و اشاعه علم مؤثر است و رسیدن به اهداف علمی را میسر می کند»^۱

بازشناسی سیاست های علمی می تواند به روش های گوناگونی اتفاق بیفتد. گاهی سیاست های علمی در اسناد بالادستی تصریح می شود و بر اساس همین اسناد بالادستی مجموعه اقدامات و برنامه ریزی ها سامان دهی می شود. بنابر این بازشناسی اینگونه سیاست های علمی با بررسی همین اسناد انجام می پذیرد. اما گاهی فقدان اسناد بالادستی و یا فقدان خودآگاهی نسبت به سیاست های علمی راه بازشناسی آن ها را متفاوت و البته دشوارتر می نماید؛ در این صورت می توان سیاست های علمی را از مجموعه اقدامات عملی یا طرح ها و ایده ها، کتاب ها، مقالات، سفرنامه ها و یا حتی از نظام تخصیص بودجه استخراج نمود.

از سوی دیگر همه سیاست های علمی در فرایند سیاستگذاری علم تحقق نمی یابند و منشأ اقدام و برنامه نمی شوند بنابر این اینکه در میان سیاست های علمی مختلف کدام رویکرد ها زمینه تحقق می یابند، در تحلیل فرایند سیاستگذاری علم و هم چنین قدرت گفتمان های فکری در اثر گذاری اجتماعی معلوم می گردد. از آن جا که در ایران دوره قاجار، سیاست های علمی کمتر صورت اسناد بالادستی... یافته است، به طور عمده بازشناسی این سیاست ها از طریق تحلیل محتوای نگاه جریان های فکری موثر در تصمیم گیری ها و هم چنین اقدامات انجام شده در حوزه علم و آموزش انجام می شود. در واقع سیاست های

^۱: گزارش مرکز پژوهش های مجلس، ساختار نظام تحقیقاتی کشور، شورای پژوهش های کشور، ۱۳۷۱:۳

علمی مورد بررسی در این رساله لزوما سیاست های رسمی ومدون نیست. چه آن که شکل گیری بسیاری از سیاست های رسمی را می بایست ذیل سیاست های غیر رسمی و متأثر از آن تحلیل نمود. اشاره به اندک اسناد بالادستی رسمی موجود در این خصوص نیز بخشی از تحلیل خواهد بود.

بنابر این در این رساله میان سیاست های علمی؛ به عنوان باید و نباید های هر جریان فکری جهت سامان بخشی به وضعیت علم و دانش با سیاستگذاری علم؛ به عنوان سیاست های علمی که با حمایت جریان های قدرت محقق شده اند تفکیک شده است. پس ضمن اشاره به سیاست های علمی مورد نظر جریان های فکری، فرایند سیاستگذاری علم و سیاست های محقق شده مورد بررسی قرار گرفته است.

1.7 روش شناسی

روش های موجود جامعه شناسی برآمده از نظام دانشی است که بابرآمدن غرب مدرن و فعالیت گسترده محققان در توصیف و تبیین آن نظام شکل گرفته است. بنابر این و به یک معنا می توان گفت نظام روشی جامعه شناسی مدرن به طور خاص به عالم جدیدی تعلق دارد که علومی چون جامعه شناسی در صدد توصیف و تبیین آن هستند. به همان معنایی که مدرنیته تجربه ای تاریخی و منحصر به فرد است، نظام روشی آن نیز چنین است و تا حد زیادی سخن گفتن از ابتدای تحقیقات یک جامعه غیر مدرن بر نظام روشی یا روش های تحقیقات در نظام مدرن چندان واقعی به نظر نمی رسد. چه اینکه حتا دست یافتن به معنای دقیق آن چه که روشی خاص در پی آن است برای یک محقق عالم غیر مدرن به راحتی امکان پذیر نخواهد بود.

در این رساله تلاش شده است تا تحقیق با بهره‌گیری از بخش‌هایی از این نظام روشی و مبتنی بر نیاز خاص این تحقیق به طور کاملاً مستقل و غیر متعهد به لوازم این نظام روشی صورت پذیرد. به عبارت دیگر معنا و محدوده مختار و تعریف شده از روشی خاص در خدمت مسئله این تحقیق قرار دارد.

1.7.1 نظریه روش تحلیل گفتمان

در بخش اول این رساله و با هدف صورت‌بندی نظری جریان‌های فکری به نحوی از «نظریه‌ی روش تحلیل گفتمان» بهره گرفته شده است. در این جا تلاش شده است با تمرکز بر هسته مشترک نظریه تحلیل گفتمان تا حد زیادی از گرفتار شدن در دام روش‌ها و تکنیک‌های تحقیقی آن پرهیز شود و تحلیل گفتمان بیشتر به عنوان یک نظریه مورد استفاده قرار گیرد تا یک روش تحقیق مدون. در واقع قرائت‌های متکثر و تطورات تاریخی مباحث تحلیل گفتمان این امکان را به ما داده است تا متناسب با تحقیق خودمان بسته‌نظری و احیاناً روشی خاص خود را ایجاد نماییم.

بنابراین تحقیق حاضر، از «نظریه‌ی روش تحلیل گفتمان»، صرفاً برای صورت‌بندی‌های نظری و توصیف جریان‌های فکری و اجتماعی ایران معاصر بهره گرفته و به مبانی و اقتضانات نگاه گفتمانی فوکو و دیگران و هم‌چنین روش‌مندی و تکنیک‌های تحلیل گفتمانی پایبند نبوده است. استفاده از تحلیل گفتمان در این رساله به معنای پایبندی به نگاه فوکو در خصوص رابطه گفتمان با قدرت و ایدئولوژی و فقدان سوژه و برساخته بودن آن در گفتمان نیز نخواهد بود.

«در آثار "فوکو" معنای واحدی از «گفتمان» ارائه نشده است. خود او می‌نویسد: «... پنداری به جای شفاف‌تر کردن معنای بسیار مبهم کلمه‌ی گفتمان بر ابهام آن افزوده‌ام. گاه آن‌را به معنای قلمرو کلی تمامی گزاره‌ها، گاه به عنوان مجموعه‌ی فردیت‌پذیری از گزاره و گاه نیز به معنای عمل نظام‌مندی به

کار برده‌ام که به گزاره‌های ویژه‌ای معطوف است. گفتمان در هر سه مورد چیزی شبیه به چهارچوب است و از گزاره‌ها تشکیل می‌شود».

یکی از مفیدترین شیوه‌های تأمل در باب گفتمان این است، که آن را نه به منزله‌ی مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا قطعه‌ای از متن، بلکه «رویه‌ها»یی (practices) بدانیم که به گونه‌ای نظام‌مند (سیستماتیک) به موضوعات یا ایده‌هایی که درباره‌ی‌شان سخن می‌گویند، شکل می‌دهند». به این اعتبار، گفتمان چیزی است که چیز دیگری (پاره‌گفتار، مفهوم، تأثیر) را تولید می‌کند، نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد، و به صورتی جداگانه می‌توان تحلیلش کرد. یک ساختار گفتمانی را به واسطه‌ی نظام‌مندی آراء، نظرات، مفاهیم، شیوه‌های تفکر و رفتاری که در بطن یک بافت خاص شکل گرفته‌اند، و به واسطه‌ی تأثیرات (یا جلوه‌های) آن یا شیوه‌های تفکر و رفتار می‌توان شناسایی کرد. تصویری که "فوکو" از گفتمان به دست می‌دهد، تصویری تأسیسی است. از این منظر، گفتمان در تولید، تغییر و بازتولید ابژه‌های زندگی اجتماعی سهیم است. این معنا خود مستلزم آن است که به گفتمان به عنوان یک رابطه‌ی فعال (معنی‌بخش و هویت‌پرداز) با واقعیت، و نیز به منزله‌ی «کنش‌هایی که به طور منظم موضوعاتی را که درباره‌ی آنان صحبت می‌شود، شکل می‌دهند»، نگریسته شود. با این بیان، یک گفتمان چیزی است که چیز دیگر را تولید می‌کند. نه چیزی که «در خود»، «از خود» و «برای خود» وجود یافته است، و می‌تواند به گونه‌ای منفک و بریده از مقولات دیگر مورد تحلیل واقع شود. یک ساختار گفتمانی می‌تواند به سبب نظام‌پذیری ایده‌ها، عقاید، مفاهیم، راه‌های اندیشیدن و رفتار کردن که در یک بستر مشخص شکل می‌گیرند، و نیز به علت تأثیرات این راه‌های اندیشیدن در بروز رفتار شناسایی شوند. «تاریخ‌مند بودن» خصیصه و شاخصه‌ی بارز دیدگاه "فوکو"یی درباره‌ی گفتمان است. شناخت ماهیت یک گفتمان «مگر

در سایه‌ی شناخت عناصر بیرونی و بستر و شرایط تاریخی آن «ممکن نمی‌گردد. "فوکو" به طور مستمر محقق را از متن (text) خارج و به زمینه (context) رهنمون می‌کند و بالعکس»¹

هم چنین در این تحقیق تولیدی بودن گفتمان به معنای تعیین کنندگی نهایی آن نسبت به همه چیز و از جمله ابژه‌ها دیده نمی‌شود- آن گونه که مد نظر فوکو است- بلکه اثر گذاری و معنا بخشی و هویت پردازی آن به نحوی نسبی به رسمیت شناخته می‌شود. گفتمان‌ها، توصیف‌های قدرتمند و موثر جامعه هستند که جریان‌های اجتماعی و عمل اجتماعی خاص خویش را بازتولید می‌کنند.

در این رساله به نحوی اجمالی و البته نه لزوماً تکنیکی به ترسیم فضای تبادل و تخصم میان دو کلان گفتمان فکری تاریخ معاصر ایران پرداخته شده و تاحدی حکم‌های هر گفتمان مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع در تحقیق حاضر صرفاً از «نظریه روش تحلیل گفتمان» برای معنی دار کردن صورتبندی جریان‌های فکری و اجتماعی استفاده شده است.

از سوی دیگر دیرینه‌شناسی راهی برای انجام تحلیل تاریخی درباره‌ی نظام‌های تفکر یا گفتمان است. به بیان دقیق‌تر، دیرینه‌شناسی درصدد توصیف آرشیو است. اصطلاحی که "فوکو" برای اشاره به «نظام کلی شکل‌گیری و دگرگونی سخن‌ها» که در دوره‌ی معین و در جامعه‌ی خاصی وجود دارد، به کار می‌برد. آرشیو هم نظام قابلیت بیانی سخن، رویداد و هم نظم کارکردی آن را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، آرشیو مجموعه قواعدی بنا می‌نهد که حد و حدود و شکل‌های، قابلیت بیان، حفاظت، حافظه، بازفعال‌سازی، و تصاحب را تعریف می‌کند.

بنابراین، موضوع تحلیل دیرینه‌شناسی ارائه توصیفی از آرشیو است. یعنی آن چه در یک گفتمان می‌توان از آن سخن گفت. یعنی چه سخن‌هایی ادامه‌ی حیات می‌دهند، ناپدید می‌شوند، مورد استفاده‌ی

¹: ون دایک، مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، 1382، ص 43

مجدد قرار می‌گیرند، سرکوب یا سانسور می‌شوند؛ چه شرایطی معتبر، مشکوک یا نامعتبر دانسته می‌شوند؛ چه روابطی بین «نظام سخن‌های کنونی» و گذشته و یا بین گفتمان‌های فرهنگ بومی و بیگانه وجود دارد؛ و چه افراد، گروه‌ها یا طبقاتی به انواع خاصی از گفتمان دسترسی دارند. بنابر این دیرینه‌شناسی نیز بخشی از کار این رساله است.

1.7.2 پدیدار شناسی

از آن جایی که هدف تحقیق درک و تفهم مواجهه تاریخی ایرانیان با غرب است «پدیدار شناسی تاریخی مواجهه ایرانیان با غرب» هم چنین رویکرد روشی دیگر این رساله است. «پدیده شناسان بر شهود و توصیف به عنوان روش تحقیقشان تکیه می‌کنند^۱». بحران هویت و چندپارگی فرهنگی و تمدنی ایران معاصر، به طور ویژه توجه پدیدارشناسانه به تاریخ ایران را ضروری می‌نماید. مفاهیمی مثل مشروطه، علم و... که ترجمه‌هایی از عناصر فرهنگی و تمدنی جدید هستند در ایران به یک معنا به کار نرفته‌اند و در واقع در بسیاری از موارد بینادهنیت مشترکی میان گفتمان‌ها و جریان‌های فکری در این خصوص وجود نداشته است. ریشه بسیاری از اختلافات نیز همین ابهام‌ها و التقاط‌ها بوده است. «تأکید بر «کنش» و بر را به این اعتقاد کشانید که لازم است ادراک فرد از هر وضعیت فهمیده شود. با این کار فهم اینکه چرا فردی به این شیوه عمل می‌کند مقدور می‌شود. برای طرح این اندیشه که هر عملی را از چشم فردی که در گیر آن است ببینیم و بر از اصطلاح آلمانی *verstehen* (فهمیدن) استفاده می‌کند»^۲

بنابر این برای فهم مواجهه تاریخی ما با تجدد لازم است دست به تفهم و تأویل بزیم و معنای مفاهیم و سخنان و عمل افراد را در نسبت با زمینه ذهنی آن‌ها توصیف نماییم. ریشه بسیاری از بدفهمی‌های

^۱: جورج ریتزر، نشریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران، 1374، ص 326

^۲: استفن مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضا ثاقب فر، دوم، ققنوس، تهران، 1381، ص 18

تاریخی و ناتوانی از تحلیل تاریخی مواجهه ما با غرب در همین مسئله است که محققان ما خواسته اند با پیش فرض ها و کلیشه های مفهومی ذهن خویش به فهم نظر و عمل افراد و جریان ها پردازند. اگر چه برای پدیدارشناسی نیز روش ها و تکنیک هایی وجود دارد و قرائت های مختلفی قابل ارائه است اما هسته اصلی این نظریه یا جنبش یا هر چیز دیگری را می توان در بیانیه ای که ناشر سالنامه فلسفه و پژوهش پدیدارشناسانه منتشر کرد، یافت. ادموند هوسرل سردبیر این نشریه به همراه ماکس شلر، پفندر، رایناخ، گایگر و بعد ها هایدگر در این بیانیه تأکید کرده اند که: «وجه اشتراک هیئت تحریریه در باور مشترک به بازگشت به سرچشمه های اولیه شهود بی واسطه و رجوع به بینش های برخاسته از آن ها درباره ساختارهای ذاتی» پدیده هاست.¹

خواهیم دید که یکی از مدافعان سرسخت مشروطه آقا نورالله اصفهانی است که مشروطه را از اسلام می داند و معنای آن را حکومت مشروط به قانون اسلام. بنابراین باید مشروطه شخص آقا نورالله را در زمینه ذهنیت خاص وی فهم نمود.

در این رساله کوشیده شده است تا حد زیادی تحلیل ها مبتنی بر تأویل پدیدارهای تاریخی مواجهه با غرب بر نیت ها و نگرش های ذهنی کنش گران تاریخی باشد و نه به تعاریف رایج و از پیش تعیین شده خودمان. «جامعه شناسی پدیده شناختی، در نتیجه جهت گیری پدیده شناختی اش، توصیف ساختار کلی جهت گیری های ذهنی را هدف خود می داند»² و در این رساله نیز این ساختارهای کلی مورد تحقیق قرار خواهد گرفت. رساله ها، مقالات، گفتارهای کنش گران (مسامحتاً؛ سوژه ها) و سایر اسناد تاریخی به مثابه پدیدارهایی هستند که بستر راه یابی به ذهنیت کنشگران و ساختارهای کلی این ذهنیت ها است.

¹ : هربرت اسپینگلبرگ، درآمدی تاریخی بر جنبش پدیدارشناسی، ترجمه مسعود علیا، اول، مینوی خرد، تهران، 1391، ص 47

² : استفن مور، دیباچه ای بر جامعه شناسی، ترجمه مرتضا ثاقب فر، دوم، ققنوس، تهران، 1381، ص 18

باید تذکر داد که سوپژکتیو بودن پدیدارشناسی (قائم به محقق بودن) که به عنوان یک آسیب روشی ذکر می شود، به معنای بی نظمی و بی معیاری محض این روش نیست. چرا که اگر مراد از سوپژکتیو، مشاهدات مشاهده گرانی بدون موضع نقادانه و تعلیم ندیده است که به نحوی تصادفی و بدون نقشه و هدف انتخاب شده است آن گاه پدیدارشناسی قطعا در مقابل سوپژکتیویته قرار می گیرد.¹

این استفاده چندگانه و متناسب با موقعیت از روش های تحقیق تا حد زیادی مربوط به ویژگی بازگشتی و بازاندیشی روش های کیفی دارد. در ضمن استفاده از روش پدیدارشناسی به نحوی به تأیید روش تحلیل گفتمان در صورتبندی جریان های فکری و اجتماعی نیز منجر می شود و نحوی اعتباربخشی به تحقیق را به همراه خواهد داشت. هم چنین بررسی تطبیقی مواجهه با غرب در دوره های صفویه و قاجار و تا حدی مواجهه مسلمین قرون میانه با یونان استفاده از رویکرد تاریخی- تطبیقی است که تا حد زیادی چند جانبه نگری تحقیق را تأمین نموده و براعتبار آن می افزاید و هم چنان می تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی و اعتبار تحقیق تلقی گردد. رساله حاضر از آن جهت که به نحوی توصیفی و اکتشافی است فاقد چارچوب نظری از پیش تعیین شده و فرضیات است.

1.7.3 نسبت پدیدارشناسی تاریخی و جامعه شناسی

نسبت جامعه شناسی با تاریخ چیست و در مطالعات جامعه شناختی، بررسی تاریخی چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟ اگر مدعی شویم که جامعه شناسی مطلوب، همان مطالعه تحلیلی تاریخ است شاید بی راه نباشد. بر اساس تعاریف کلاسیک، جامعه شناسی به مثابه یک علم به دنبال کشف قواعد منظم و ثابتی است تا بر اساس آن جامعه را توصیف کند. پس مطالعات تاریخی چه ارتباطی با جامعه شناسی پیدا می کند؟

¹ : هربرت اسپنگلبرگ، در آمدی تاریخی بر جنبش پدیدارشناسی، ترجمه مسعود علیا، اول، مینوی خرد، تهران، 1391، ص 994

تا پیش از قرن هجدهم از تاریخ نگاران بسیاری می توان اسم برد. اما تاریخ پژوهی در معنای مدرن آن محصول این دوره از تاریخ غرب و فلسفه های تاریخ جدید است. البته ابن خلدون به دلیل فاصله گرفتن از عالم تاریخ نگاری اسلاف خود و نگاه سابزکتیو، نگاه درجه دوم به تاریخ دارد و از دوری بودن تاریخ سخن می گوید.

اما تاریخ نگاران عالم اسلامی مثل بیهقی و مسعودی و ... نقل تاریخ می کردند و در این نقل تاریخ به دنبال عبرت ها و تذکر ها بودند عنوان بسیاری از این کتاب ها حکایت از نگاه خاص آن ها به تاریخ دارد؛ «تجارب الامم و تعاقب الهمم»، «تجارب السلف» و تاریخ در نظر پیشینیان پژوهش نبود بلکه مورخان با تاریخ انس داشتند.

در این نحو نگاه تاریخی مبانی نظری قابل ذکری مستتر است؛ اول آن که با چه مبانی و مبادی فکری می توان تاریخ را مایه عبرت دانست؟ و چرا در دوره مدرن عبرت بینی در تاریخ بسیار اندک و کم مایه و در بهترین حالت جزیی بین است؟

فلسفه های تاریخ مدرن قائل به نظمی رو به ترقی و توسعه در تاریخ بشر هستند. این نگاه فلسفه تاریخی، تاریخ را در همه دوران ها، رو به پیشرفت و ترقی می داند و بنابر این همیشه تاریخ جهان از وضعیتی عقب مانده و بد به وضعیتی مترقی و توسعه یافته در حال حرکت است. با این تلقی است که شرق شناسان و باستان شناسان، تمهید گر تاریخ توسعه و تمدن غرب می شوند و این وضعیت خطی را تثبیت می کنند. با این نگاه به تاریخ نمی توان از گذشتگان خود که انسان های فاقد علم و دانش و کم سواد بوده اند عبرت گرفت و به همین جهت است که تاریخ نگاری مدرن نمی تواند متضمن عبرت بینی باشد. تاریخ نگاری مدرن، پژوهش هایی تاریخی با روشمندی علمی است که خود این روشمندی جهت داری خاصی در نگاه تاریخی را تلقین می کند. با همین نگاه فلسفی به تاریخ، تاریخ گذشته بی ارتباط با تاریخ

حال و آینده تلقی می گردد و ابژه مطالعات ما خواهد بود. «با پیشامد تجدد بسیاری چیزها در جهان سوم پیش آمده است که یکی از آنها آشوب و پریشانی فکری و گسیختگی تاریخی است. در این آشوب و پریشانی و گسستگی، عبرت تاریخی و اختیار و آزادی ناچیز یا متنفی شده است»^۱ مطالعات اجتماعی به نحو مطلوب آن متضمن انس با تاریخ و فهم تاریخی است. اگر ما بی تاریخ نباشیم و تاریخ را مظهر تجلیات حق تعالی و سنت های او بدانیم، هر گونه مطالعات اجتماعی منحل در مطالعات تاریخی خواهد بود. اینکه مطالعات اجتماعی چه نسبتی با مطالعات فلسفی، کلامی و دینی خواهد داشت خود البته ماجرای دیگری است.

1.7.4 پدیدار شناسی تاریخی و تاریخ نگاری استراتژیک

تذکر به پدیدار شناسی می تواند یکی از آسیب های جدی مطالعات تاریخی را تا حد زیادی مرتفع نماید. مطالعات تاریخی تا حدی زیادی در معرض خطر مطالعات استراتژیک قرار دارد. به این معنا که مورخان یا تحلیل گران تاریخی با تکیه بر علایق خویش و پیش فرض های خویش به تحلیل تاریخ پردازند.

تاریخ نگاری مشروطه تا حد زیادی گرفتار آسیب «تاریخ نگاری استراتژیک» است. تاریخ نگاری استراتژیک مستلزم غلبه ایدئولوژی بر تفکر است. در این نوع تاریخ نگاری مورخ نمی خواهد یا به واسطه علایق سیاسی خود نمی تواند به حقیقت و عبرت تاریخی دست یابد. بلکه تاریخ وسیله ای برای اثبات ایدئولوژی اوست. متأسفانه این نحو تاریخ نگاری صورت غالب تاریخ نگاری دوره قاجار و به خصوص مشروطه است. تقلیل جنبش مشروطیت به اراده و حرکت بهاییان یا روشنفکران و به هیچ گرفتن نقش فقها و علما در بسیج اجتماعی حکایت از غلبه علایق سیاسی بر حقایق تاریخ است. از سوی دیگر و

¹ : رضا داوری، سیاست، تاریخ، تفکر، چاپ اول، نشر ساقی، تهران، 1389، ص 299

در این سوی طیف تاریخ نگاری مشروطه نیز، همه مشروطه به اراده و حرکت علما تقلیل می یابد و اختلاف علمای بزرگ عصر مشروطه به هیچ گرفته می شود و حکم یک مرجع تقلید بزرگ شیعه ؛ آخوند خراسانی در مورد افساد شیخ فضل الله نوری^۱، در نظر ایشان هیچ ضریب تحلیلی پیدا نمی کند. این وضعیت حکایت از غلبه دو طیف تاریخ نگاری در مشروطه است که حفظ مصالح ایدئولوژیک، ذکر برخی حقایق را در نقل و تحلیل ایشان کمرنگ کرده است. تا وقتی که ما نتوانیم تاریخ گذشته خویش را از سر تفکر و تعمق و عبرت بینی نظر کنیم، راه آینده ما گشوده نخواهد شد. تا پیش از این هژمونی روشنفکری بر سر تاریخ نگاری مشروطه بوده است و پس از انقلاب به نظر می رسد تاریخ نگاری ایدئولوژیک انقلابی- اگر چه غیر قابل مقایسه و با وزن کمتری- تلاش دارد روایت سیاسی خویش را تحکیم نماید.

چنان که پیش از این اشاره شد مطالعات اجتماعی تا حد زیادی در بستر مطالعات تاریخی روی می دهد و برای فهم دقیق آنچه در هر دوره تاریخی اتفاق افتاده است ناچار از هم زبانی و هم دلی و هم عصری با مردمان و متفکران آن دوره تاریخی هستیم و این امر راهی غیر از پدیدار شناسی و تفهم و تأویل ندارد. به دلیل همین اغتشاشات تاریخ نگاری عصر قاجار، هر گونه پژوهش دقیق و هم دلانه مستلزم مطالعه منابع و اسناد دست اول- روزنامه ها و تلگراف ها و ...- است تا فارغ از تعلقات تاریخ نگاران، مسائل و دقائق تاریخی این دوره مورد واکاوی قرار گیرد. راه دیگر، مطالعه منابع با رویکرد تطبیقی است تا از رهگذر این تطبیق، علایق و ایدئولوژی های مورخان از متون آن ها پیرایش شود.

^۱ : محسن کدیور، سیاست نامه خراسانی، چاپ دوم، کویر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷